

بررسی عنصر درون‌مایه در کتاب *خاطره نگاشته* «آن بیست و سه نفر»
با تکیه بر مؤلفه‌های پایداری

علی آزادمنش

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، مجتمع آموزش عالی بام، بام

Azadmaneshali10@bam.ac.ir

چکیده

خاطره‌نویسی، یکی از انواع ادبی و شکلی از نوشتار است که نویسنده در آن، خاطرات خود را یعنی صحنه‌ها یا وقایعی که در زندگی‌اش روی داده و در آنها نقش داشته است، یا بیننده آنها بوده، بازگو می‌کند. با وقوع جنگ تحمیلی علیه ایران، بسیاری از رزمندگان به ثبت خاطرات خود از دوران دفاع مقدس پرداختند. کتاب *خاطرات خود نوشت* «آن بیست و سه نفر» را احمد یوسف‌زاده که یکی از اسرای نوجوان بیست و سه نفره است، و حدود هشت سال در اسارت دشمن بعثی متجاوز به سر برده، بعد از آزادی، به رشته تحریر در آورده است. روایت صادقانه و تأثیر برانگیز حوادث جنگ، به ویژه رویدادهای روزهای سخت اسارت، اثر را به صورت ترجمان احساسات و عواطف راوی در آورده است. نمودهای پایداری از اساسی‌ترین بن‌مایه‌های کتاب «آن بیست و سه نفر» محسوب می‌شود؛ که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است. مهمترین مؤلفه‌های پایداری در این اثر عبارتند از: هویت دینی رزمندگان و مبارزان، استقامت و پایداری در برابر دشمن، الگوگیری از اسوه‌های مذهبی عاشورا، وطن‌دوستی و تنفر از دشمن، توسل به ائمه و معصومین (ع).

کلمات کلیدی: کتاب «آن بیست و سه نفر»، احمد یوسف‌زاده، عنصر درون‌مایه، خاطره نوشته، مؤلفه‌های پایداری.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

خاطره نوشته‌ها، با توجه به ویژگی و نسبتی که با ادب مقاومت و واقعی بودن موضوع دارند، و با عنایت به مردمی بودن و حصرناپذیری آن به قشر و طبقه‌ای خاص، جان‌مایه واقعی‌ترین و مردمی‌ترین مصالح و مواد ادب مقاومت را در خود جای داده‌اند [۱]. خاطره‌گویی در سال‌های آغازین و میانی جنگ به گردآوری خاطره‌های شفاهی انجامید و همچنین بخش‌های فرهنگی قرارگاه‌ها و لشکرها در غرب و جنوب، جای نگه‌داری هزاران حلقه نوار صوتی از رزمندگان جنگ گردید. در همه این خاطره‌ها، موضوع اصلی معطوف به سیر و چند و چون وقایع رخداد جنگ به معنای شرح وقایع و عملیات نبود؛ بلکه از روزهای اول چنین جا افتاد که خاطرات رزمندگان حاوی و حاصل آرمان‌های رزمندگان و ابعاد فرهنگی جنگ است، نه مسائل نظامی آن [۲].

ادبیات پایداری ضمن نشان دادن رشادت‌ها، شجاعت و پایداری ملتی در مقابل هر گونه تجاوز بشری، جنگ و پیامدهای آن را با تمام ویژگی‌هایش نشان می‌دهد؛ بنابراین، «ادبیات پایداری به مسئله جنگ و ستیز سربازان در جبهه‌های نبرد، خرابی، ویرانی‌های ناشی از جنگ و کشتار مردم پشت جبهه می‌پردازد» [۳]. درون‌مایه‌ها در خاطرات جنگ به خصوص، خاطرات خود نوشت، به دلیل ناآرامی‌های فضا و محیط جنگ، بسیار واقع‌گرا و متفاوت است.

بی‌تردید، خاطره نوشته‌های جنگ به خصوص، اگر از زبان و قلم فرد رزمنده و آزاده مسطور گردد، از حیث صداقت و صحت، بی‌بدیل و منحصر به فرد است؛ چرا که در این بین، هیچ واسط و رابط دیگری وجود ندارد که بتوان به گفته او از جهت کمی و کیفی و بیان صداقت، تشکیک کرد. خاطرات خود نوشت، به عنوان جلوه و بخشی از مواد ادب مقاومت، بیانگر وقایع درونی و تشریح مشاهدات جبهه‌های نبرد است. نبردی گاه بی‌امان که رزمنده خود، در آن شرکت داشته، آسیب و صدمات آن را با تمام وجود حس کرده و گاه، اسیر دست دشمن گردیده است و در بازگشت، آنچه را که بر او رفته است، به رشته تحریر در می‌آورد تا به عنوان قسمی از ادب مقاومت ماندگار بماند.

از کامل‌ترین خاطره نگاشته‌های رزمندگان، خاطراتی است که به قلم رزمندگان آزاده تقریر شده است؛ زیرا آنان هم خود در خط مقدم نبرد حضور داشته‌اند و هم در هیاهوی جبهه و جنگ، اسارت را چشیده‌اند؛ بیم‌ها و امیدهای بسیار و سپس شوق آزادی و بازگشت به میهن را تجربه کرده‌اند و به همین دلیل است که تجربه‌های رزمندگان آزاده، تنوع و گسترده تجربی کم‌نظیری را در مقابل ما ترسیم می‌کنند.

۲. بحث و بررسی

خاطره نوشته‌ها معمولاً با توجه به ساختار روایت و تأثیر کلام نویسنده در بیان اجزای آن است و در چنین سبک نوشتاری، عناصر ادبی فرصت ظهور و بروز چندانی ندارند. در واقع، «در چنین سبک نوشتاری، عناصر ادبی نمود چندانی نمی‌یابند و روایت، به داستان رئالیستی تراژیک یا کمیک نزدیک می‌شود» [۴].

۱.۲. عنصر درون‌مایه

درون‌مایه، عصاره مفهومی داستان است و اغلب آن را یکی از عناصر بنیادی ادبیات داستانی می‌دانند. به عبارت دیگر، مفهوم یا ایده محوری داستان که عنصر وحدت بخش داستان نیز است. جمال میرصادقی درباره تعریف درون‌مایه می‌نویسد: درون‌مایه، مضمون یا تم، فکر اصلی و مسلط هر اثر ادبی است. خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و وضعیت و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد ... درون‌مایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد [۵].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در هر اثر داستانی، عناصری وجود دارد که قرار گرفتن آنها در کنار هم، سبب آفرینش یک اثر واحد می‌شود. این عناصر عبارتند از: شخصیت‌ها، فضا، پیرنگ، موضوع، توصیف، گفتگو، زمان و مکان، زاویه دید و درون‌مایه. هر اندازه این عناصر، بهتر در کنار هم قرار بگیرند و پیوند محکم‌تری میان آنها برقرار شود، اثر نهایی از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود [۷۶]. تشخیص درون‌مایه در یک رمان پیچیده است. نویسندگان غالباً ترجیح می‌دهند، درون‌مایه را واضح به خواننده تحمیل نکنند و خواننده باید با خواندن داستان، درون‌مایه را درک کند ... درون‌مایه معمولاً شاهد خوبی برای یافتن معنای رمان به شمار می‌رود [۸].

۲.۲. ادبیات جنگ و پایداری

پرداختن به جنگ و تبعات اجتماعی، انسانی، سیاسی و اقتصادی آن، راه‌های تازه‌ای را پیش پای نویسندگان قرار داد و بسیاری از آنها به جنگ و پیامدهای آن بی‌اعتنا نماندند. ادبیات جنگ، «ادبیاتی است که در جنگ و پیامدهای آن خلق می‌شود و شامل ادبیات طرفین جنگ می‌شود؛ یعنی مهاجم و مدافع، خواص و عوام، ادبیات فاخر آفرینندگان آثار ادبی و ادبیات مردم عادی» [۳]. جنگ تحمیلی هشت ساله در کشور ایران، بزرگترین رویداد در دهه‌های اخیر به شمار می‌آید. به اعتقاد بسیاری از نظریه‌پردازان «جنس جنگ ایران و عراق که به نام دفاع مقدس خوانده شده است، مقدس است؛ یعنی جنس این جنگ با جنگ‌های دیگر از جمله، جنگ‌های آزادی بخش، جنگ‌های جهانی و جنگ‌های منطقه‌ای در نقاط مختلف دنیا متفاوت است» [۹]. با شعله‌ور شدن آتش جنگ ایران و عراق، فصل تازه‌ای در ادبیات داستانی ایران گشوده شد و نویسندگان بسیاری به خلق خاطره، داستان کوتاه و رمان با موضوع دفاع مقدس روی آوردند.

۲.۳. معرفی کتاب آن بیست و سه نفر

«آن بیست و سه نفر» خاطرات احمد یوسف زاده (۱۳۴۴ ه.ش) است. نویسنده کتاب، فارغ از هر گونه تحلیل‌ها و برداشت‌های آزاد، خاطرات خود را بدون تکیه بر قضاوت یا داوری خوانندگان بازگو کرده است. صداقت گفتار و احترام به خواننده، از جمله ویژگی‌هایی است که در این اثر روایی با شفافیت، همراه مستندات و شواهد عینی به چشم می‌خورد. نویسنده با زبانی ساده و صمیمی، واقعیت‌ها را با تمام تلخی‌ها، شیرینی‌ها و محبت‌ها بیان کرده است. به گفته‌ی روای: ماجرای «آن بیست و سه نفر» اتفاقی است که نمونه‌اش در هیچ جنگی رخ نداده است. سال ۱۳۷۰، یک سال پس از آزادی از اسارتی که هشت سال طول کشید، این ماجرا را نوشتم و برای چاپ به مرکز نشری سپردم. آن چه از چاپ درآمد، کتابی کم حجم بود {با نام پرچین راز} به قلم یکی از جوانان جویای نام آن روزگار که هیچ به دلم ننشست. سال ۱۳۸۵، مهدی جعفری، کارگردان متعهد کشورمان، از ماجرای «آن بیست و سه نفر» مستندی سیزده قسمتی ساخت و ... از شبکه چهار سیمای جمهوری اسلامی ... پخش شد [۱۰]. کاستی‌های آن کتاب، با تألیف «خودنوشت» اثر برطرف شده است. به گفته‌ی نویسنده کتاب، «بعد از سال ۱۳۸۵، تمامی شبکه‌های استانی تلویزیون جمهوری اسلامی، آن فیلم را پخش کردند».

کتاب «آن بیست و سه نفر» با ظرافت و زیبایی خاصی نوشته شده است و در جای جای آن می‌توان تکنیک‌ها و شگردهای داستان‌نویسی را - اگر چه ممکن است برای نویسنده، ناخودآگاه باشد - ملاحظه نمود. «خواننده می‌تواند مطمئن باشد آنچه در این کتاب می‌خواند، تخیل و قصه‌پردازی نیست» [۱۰]؛ اما نویسنده، خاطرات خود را به شیوه‌های فصیح و بلیغ بیان کرده است که می‌توان برخی شگردهای خاص داستان‌نویسی را هم در آن یافت. برخی از تکنیک‌های داستان‌نویسی که در این کتاب خودنمایی می‌کند، عبارت‌اند از:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شخصیت‌پردازی، آرایه‌های ادبی، دیالوگ، مونولوگ (تک‌گویی درونی)، توصیف و فضاسازی، زبان شیرین و روان متن، مطایبه و شوخی، تکنیک پرسش زمانی یا فلش بک برای گریز از حالت یکنواختی و افزایش جذابیت متن که به شیوه «خاطره در خاطره» در روایت می‌انجامد.

نثر کتاب، بسیار روان، بلیغ و شیواست. این نثر گاه کاملاً به زبان محاوره نزدیک می‌شود و همین امر، موجب خلوت خاص آن شده است. جملات در این متن، کوتاه و فاقد ابهام و مغلق‌نویسی است؛ از این رو، خواننده به راحتی با متن کتاب ارتباط برقرار می‌کند. راوی، نوجوان ۱۶ ساله‌ای از اهالی کهنوج - یکی از روستاهای استان کرمان - است. او با اصرار، مادرش را راضی کرده تا به جبهه برود. راوی به همراه ۲۲ نوجوان دیگر که اغلب اهل کرمان بوده‌اند، در اردیبهشت ۱۳۶۱ اسیر می‌شوند. صدام حسین با وعده آزادی این ۲۳ نفر، خود را دوست دار آنان جلوه می‌دهد و در مقابل، این نوجوانان با اعتصاب غذا تلاش می‌کنند تا از زندان استخبارات به اردوگاه بروند و شرایطی مانند دیگر اسرا داشته باشند.

کتاب «آن بیست و سه نفر» پس از آزادی راوی نوشته شده و رویدادها و خاطرات آن مربوط به دوران اسارت است. از آن روی که متن، خاطرات خود نوشت است، اعتبار تاریخی و استنادی می‌یابد [۴].

۴.۲. تحلیل درون مایه های پایداری

۴.۲.۱. هویت دینی مبارزان و رزمندگان

در دین مبین اسلام، مبارزه در راه دین و وطن بسیار ستایش شده است. در طول هشت سال دفاع مقدس نیز عنصر دین پررنگ است و دفاع مقدس بر اساس ایدئولوژی دینی شکل گرفته است. در ادبیات دفاع مقدس با مفهومی خاص سروکار داریم که خود از دو عنصر «دفاع» و «مقدس» تشکیل شده است؛ بنابراین، دفاع مقدس در ادامه آزادی خواهی اسلامی و تحول بزرگ انقلاب در ایران سر بر می‌آورد [۱۱].

همچنین در تعاریف ادبیات پایداری دفاع مقدس بر موضوع هویت دینی اشاره شده است: «ادبیات دفاع مقدس به ادبیاتی اطلاق می‌شود که درباره مقاومت و ایستادگی و دفاع مبتنی بر ارزش‌های دینی و الهی است» [۳]. نکته دیگر، وجوه قداست دفاع مقدس است که در ریشه جهادی آن نهفته است و ادبیات آن بر محور مفهوم جهاد و شهادت شکل گرفته است که قهرمانان آن در شرایط رویارویی با دشمن، به جای فرار از جنگ و ترس از مُردن و همچنین بدون انگیزه‌های مادی برای رسیدن به شهادت در راه آزادی وطن، از دیگران پیشی می‌گیرند.

در کتاب‌های خاطرات و رمان دفاع مقدس نیز بیشتر به تبع ماهیت انقلاب اسلامی و استکبار ستیزی، مبارزه در راه حفظ دین مطرح شده است؛ به همین دلیل است که در طول هشت سال دفاع مقدس، مهمترین عنصر پیوند لایه‌های مختلف مردم در مبارزه با دشمن، هویت دینی بوده است [۱۲].

هویت دینی رزمندگان، یکی از نکته‌های بارز در آثار جنگ تحمیلی هشت ساله است. عنصر دین سبب شده است تا رزمندگان برادرانه و عاشقانه در راه خدا و دفاع از ارزش‌های دینی و ملی در مقابل دشمن بجنگند. این نکته به دفعات در کتاب «آن بیست و سه نفر» از زبان راوی که خود یکی از آن بیست و سه نفر است، بیان شده است. «قافله‌ای که داشت به سوی مرگ راه می‌افتاد، چنان مست و سرخوش بود که گویی همراهیان موکب عروس‌اند. صدای آهنگران در دشت پیچیده بود:

مولا اگر در کربلا نبودیم، حسین جان

تا یاریات از جان می‌نمودیم، حسین جان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اکنون همه گوئیم یکسر لیبک!

مولا حسین لب تشنه بی سر لیبک!

تأثیر این نوحه بی اندازه بود. بدن آدم مور مور می شد. بازار شفاعت طلبی داغ بود ... خطم بدک نبود. در کوتاه ترین زمان کلی مشتری پیدا کردم. با لباس نوی بسیجی می ایستادند جلویم و سفارش کار می دادند.

- بنویس یا زیارت یا شهادت.

- بنویس مسافر کربلا.

- بنویس برخورد هر گونه تیر و ترکش بدون اذن خداوند ممنوع! [۱۰].

در عملیات بیت المقدس که گلوله کالیبر در ران اکبر می نشیند، و حسین برای جست و جوی پانسمان و قمقمه ای آب سنگرهای مجاور را جستجو می کند، گویا اکبر با اعتقادی راسخ منتظر حضور امام زمان در لحظه شهادت است. «اکبر دیگر کاملاً توانش را از دست داده بود. نگاه جستجوگرش را به اطراف دشت می چرخاند و پشت سر هم می گفت: «یا امام زمان!» با نگاهی (انگار دنبال کسی می گشت؛ وقتی او را ندید، به من گفت: «پس کجایه امام زمان؟» احساس می کرد رفتنی است و شنیده بود امام زمان در لحظه شهادت به بالین رزمندگان می آید. در آن لحظه های پردرد، دنبال معشوقش می گشت که امید داشت به بالینش بیاید [۱۰].

یکی از بن مایه های اصلی وحدت در برابر هجوم دشمن یا مبارزه با استبداد داخلی، بهره گیری از تاریخ، فرهنگ و دین آن ملت است و از آنجا که در کشور ما هر سه عنصر سابقه ای طولانی دارند، وحدت میان رزمندگان بسیار آسان و عمیق شکل گرفته است. شهادت برای رزمندگان یک ارزش بود تا بدین وسیله خود را جاودان سازند. «صدایی از میان جنازه های بر خاک افتاده شهدا می آمد؛ صدایی ضعیف، اما آسمانی، سرباز مسلح عراقی، مثل ما، برگشت تا ببیند صدا از کیست و چه می گوید؟ یک بسیجی یا شاید هم یک سرباز ارتشی داشت آخرین نواهای عاشقانه اش را به گوش دشت می رساند و می گفت: وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أحياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» [۱۰].

هویت دینی رزمندگان در جبهه ها را می توان علاوه بر خداپاوری، در انجام دستورات و احکام دینی نیز مشاهده کرد. نماز خواندن، روزه گرفتن و تلاوت قرآن در جبهه ها از جمله مواردی است که نشان می دهد دفاع مقدس بر پایه بن مایه و ایدئولوژی دینی بنا نهاده شده است. «از مناره های مسجدی در آن حوالی صدای اذان صبح بلند بود. بیدار شدم. همه بیدار شده بودند. با تیمم به نماز ایستادیم؛ این بار اما نه به جماعت...»، «صدای اذان از مسجدی در آن حوالی به گوش می رسید. آبی برای وضو گرفتن نبود؛ اما پتوهای زندان آن قدر پر خاک بودند که بشود روی آن تیمم کرد». «با ورود قرآن، بخش زیادی از اوقات فراغتمان پر شد. در سراسر شبانه روز آن قرآن قدیمی خوانده می شد. هر کس تلاوتش تمام می شد، برای تلاوت بعدی نوبت می گرفت. به این ترتیب، از صبح زود تا نیمه شب قرآن بر زمین نمی ماند».

«پیرمرد عرب وقتی متوجه شد تصمیم داریم در تیرماه بغداد و در آن زندان تنگ و دم کرده روزه بگیریم، حسابی شاکی شد ... اولین روزه را در اسارت گرفتیم؛ با سختی بسیار، تشنگی، کشنده و طاقت فرسا بود؛ اما...» [۱۰].

۲.۴.۲. استقامت و پایداری در برابر دشمن

رزمندگان اسلام وقتی که می دیدند توسط دشمن بعضی به سرکردگی ایادی استکبار جهانی، کشور عزیزشان مورد ظلم و ستم و تجاوز بی دلیل قرار گرفته است، چاره ای جز استقامت و پایداری در برابر آنان نداشتند. بر این اساس، در جهت حفظ دین، سرزمین، ناموس، شرف، آزادی، آبرو و دیگر عناصر مهم و ارزشمند زندگی، هم در مقابل دشمن خارجی و هم در مقابل هواهای نفسانی، خداوند در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سوره حج آیه ۷۸، می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ...». پس، قرآن کریم به اعتقاد عمومی مسلمانان، پیام الهی است که با مجموعه آموزه‌هایش، پایه و مایه ادبیات پایداری است و همیشه مردم را به استقامت و پایداری، دعوت می‌کند [۱۳].

تأکید نکردن بر واژه تجاوز در قرآن، نشان بر پایداری در مقابل هر نوع تجاوز و جنگ است و بدین طریق انسان را به نوعی پایداری و جهاد در راه خدا در مقابل ناملایمات درونی و بیرونی دعوت می‌کند که اگر به حریم شما تجاوز شد، از خود دفاع کنید.

موضوع پایداری در برابر دشمن، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمان‌های دفاع مقدس در ادبیات پایداری ایران زمین است؛ زیرا آثار دفاع مقدس، دفاع از وطن و شهادت را امری الهی می‌دانند و شخصیت‌های داستان‌های آنها، اشتیاق زیادی برای فداکاری دارند که در خاطره نوشته «آن بیست و سه نفر» ما به کرات به این مؤلفه برخورد می‌کنیم. «می‌خواستیم برگردم سرچشمه که یک دفعه توی محوطه زندان غوغا شد انگار، زندانبان‌ها جوانی را دوره کرده بودند و تا می‌توانستند، او را با کابل می‌زدند... وقتی راه فراری برایش نمی‌ماند، ته مانده رمقش را جمع می‌کرد و از ژرفای وجود فریاد می‌زد: «یا محمد... یا رسول الله...» در این لحظه انگار زندانبان‌ها هار می‌شدند؛ با قدرت بیشتری ضربات کشنده کابل را به سر و صورت جوان فرود می‌آوردند و او دوباره نعره می‌زد: الله اکبر... لا إله إلا الله... محمد رسول الله» [۱۰].

ده دقیقه در محاصره عکاس‌ها و فیلم‌بردارها بودیم و بعد رسید به مصاحبه تن به تن! از عراقی‌ها یک خبرنگار نظامی پیش آمد و از ما محمد صالحی.

خبرنگار نظامی از محمد پرسید: «اسمت چیه؟»

- محمد صالحی.

- از کدام شهر ایران؟

- از شهر بابک، استان کرمان.

- چند سالته؟

- پانزده سال.

- کلاس چندمی؟

- دوم راهنمایی.

- پدرت چه کاره است؟

- پدرم به رحمت خدا رفته.

- پس چرا اومدی جبهه؟ به زور فرستادنت؟

- بله!

- یعنی چطور به زور فرستادنت؟

- یعنی می‌خواستیم پیام جبهه، ولی فرمانده‌هامون نمی‌داشتن. من هم به زور اومدم!

خبرنگار عراقی وارفت، هر چه بافته بود، پنبه شد. میکروفن را برد بالا و محکم کوبید بر سر محمد! [۱۰].

بچه‌های گروه بیست و سه نفره با استقامتی مثال زدنی به هیچ وجه در مقابل ژنرال‌های حزب بعث، سر تسلیم فرود نیاوردند و گاهی دلاورانه به آنها می‌تاختند و نیرنگ آنها را به رُخشان می‌کشیدند: منصور گفت: «شما توی روزنامه‌ها و تلویزیون تبلیغ می‌کنید که ما رو به زور فرستادند جبهه، هر چی که ما می‌گیم داوطلب اومدیم، شما یه چیز دیگه می‌نویسید.» حمید گفت: «ما می‌خوایم مثل بقیه اسرا باشیم. شما دارید از ما برای ضربه زدن به کشورمون استفاده می‌کنید» [۱۰].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

صالح (مترجم عرب) بر اساس شنیده‌هایش به بچه‌ها می‌گوید: مقامات ایرانی گفتن ما حاضریم به جای هر یک از بچه‌ها مون ده تا افسر عراقی بدیم. می‌گفت: هاشمی رفسنجانی گفته که اسرای ما هیچ کدوم کودک نیستن؛ همه رزمندان. «حرف‌های صالح را که شنیدیم، وجودمان شد پر از عشق به میهن، احساس کردیم رسالت سنگینی بر دوشمان گذاشته شده است. وقتی مسئولان کشورمان گفته‌اند ما کودک نیستیم، لابد انتظار هم دارند که ما کودکانه عمل نکنیم. باید به دنیا نشان بدهیم کودک نیستیم، باید نشان بدهیم که رزمنده‌ایم. پس فکر تن دادن به خواسته دشمن را باید از سرمان بیرون کنیم...» [۱۰].

در روز پنجم اعتصاب غذا، گروه بیست و سه نفر، با استقامت و پایداری مثال زدنی، موفق شده بودند که جهت رفتن به اردوگاه اُسرا و خلاص شدن از زندان استخبارات بغداد، حرفشان را به کرسی بنشانند. «توهم نبود. خواب و خیال هم نبود. ابوقاص و مهم‌تر از او ژنرال قدوری خم شده بودند. موفق شده بودیم. حرفمان به کرسی نشسته بود. پیروز شده بودیم. دشمن عقب‌نشینی کرده بود. تو گویی، خرمشهر را دوباره از دست صدام گرفته بودیم. با همه وجود خداوند را شکر کردیم» [۱۰].

۲.۴.۳. الگوگیری از اسوه‌های مذهبی و قیام عاشورا

پیامبران و ائمه معصومین (ع) در دین اسلام، مظهر و الگوی مبارزاتی هستند که همیشه در مقابل دشمنان و در راه عقایدشان مبارزه کرده و تا آخر پایدار مانده‌اند و به پیروان و دیگر انسان‌ها، اعتماد به نفس و اطمینان لازم را برای مبارزه می‌دهند. بر اساس همین اندیشه، نویسندگان ادب پایداری در آثار و نوشته‌های خود تلاش می‌کنند در راه مبارزه با باطل و دشمن، آنان را مطابق آرمان‌های دینی و تحولات اجتماعی، الگو و اسوه قیام مردم و رزمندگان در آثار خویش قرار دهند و همین رویکرد باعث افزایش گرایش به این الگوها می‌شود [۱۴].

امام حسین (ع) با توجه به دستورات الهی و دفاع از حق، به مبارزه با یزیدیان پرداخت و به نوعی از ارزش‌های انسانی دفاع کرد. همین الگو سبب حضور رزمندگان در جبهه‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس شد که خود نمونه دیگری از حماسه شکوهمند انسانی است که درخشان‌ترین درون مایه حماسی خود را از حماسه بزرگ عاشورا گرفته است [۱۵].

قیام عاشورا در ادبیات پایداری ایران همواره برای دفع ظلم و ستم، توجه نویسندگان را به خود جلب کرده است؛ مکتب امام حسین (ع)، استوار بر معیار هر حرکت و اقدامی برای زنده نگه داشتن حق، حق طلبی و حق جویی است. بنابر آیه ۸۱ سوره اسراء، «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ»، حق طلبی و عشق به خدا معیار و ماندنی می‌شود و ترس از غیر خدا، بی‌معنا و ظلم و ستم ناپایدار می‌مانند. در کتاب خاطره نوشته «آن بیست و سه نفر» نیز نویسنده به دفاعات، به الگوگیری از اسوه‌های مذهبی و قیام عاشورا اشاره کرده است؛ به خصوص، آن مواقعی که در اسارت و غربت این نوجوان‌های مبارز در دیار غربت خود را تنها و بی‌پناه احساس می‌کردند، با همین توسلات به آرامش می‌رسیدند: «... او با اراده و بی‌قرار تکبیر می‌گفت و همه را به هجوم بی‌امان تشجیع و ترغیب می‌کرد. مثل شیری جوان در پهنه آن دشت پر گلوله می‌گریه و جلو می‌رفت. هنوز زنگ صدایش در گوشم هست که می‌گفت: «سربازان امام حسین، پشت سر من، حمله به سوی دشمن!» و ما بسیجی‌ها، معترف به بی‌باکی آن رزمنده قهرمان، پشت سرش به سمت خاکریز دشمن می‌تاخیم...». ثانیه‌ها به سختی می‌گذشت. زندان شلوغ همیشگی شده بود ساکت، مثل قبرستان. صالح تند تند آه می‌کشید و ذکر می‌گفت. هر چه دعا حفظ بودیم، زیر لب زمزمه کردیم و به ائمه و معصومین توسل جستیم و از سرور و سالار شهیدان کمک خواستیم ... [۱۰]. راوی که خود اهل یکی از روستاهای شهر کهنوج در جنوب استان کرمان است، در ارتباط با عشق به امام حسین (ع) و عزاداری ماه محرم می‌گوید: «ماه محرم که از راه می‌رسید، هر شب یکی از اهالی روستا بانی مجلس عزاداری می‌شد. وقتی آخوند قاسمی، که از حوالی رودان، برای روضه‌خوانی به روستای ما می‌آمد، می‌رفت بالای منبر و درباره درد و دل حضرت زینب و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

غریبی او در خرابه شام روضه می خواند. مادرم با صدایی حزن آور گریه می کرد. آن وقت من، نه به سبب درک سخنان آخوند قاسمی، از اندوهی که در گریه مادرم موج می زد، به گریه می افتادم و با صدای بلند زار می زدم» [۱۰].

۲.۴.۴. وطن دوستی و تنفر از دشمن

وطن زادگاه و مکانی است برای حفظ مال، ناموس، عزت و شرف انسان‌ها؛ به همین دلیل، یکی از نشانه‌های خردمندان، عشق به وطن است. عشق به وطن میلی است طبیعی که خداوند در بین مخلوقاتش قرار داده است. وطن از عناوینی است که نزد همه انسان‌ها و در همه ادیان از قداست خاصی برخوردار است و در فرهنگ دینی به مهرورزی نسبت به آن سفارش فراوان شده است [۱۶].

در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، نوجوانان و جوانان برای اعزام به جبهه و دفاع از خاک و عزت و شرف وطن عزیزشان ایران، سر از پا نمی شناختند. در هنگام تجاوز دشمن به مرزهای یک کشور، کمتر کسی بی تفاوت می ماند. بی گمان حس وطن دوستی معمولاً در ذات هر ایرانی با غیرتی وجود داشته و دارد؛ هر چند که این حس در طول تاریخ در بین ایرانیان یکسان نبوده است. کتاب خاطرات «آن بیست و سه نفر» ماجرای اسارت ۲۳ نوجوان پانزده تا نوزده ساله در عملیات بیت المقدس است که برای دفاع از میهن و کشورشان با اصرار و سماجت خودشان به جبهه اعزام می شوند تا سهمی در دفاع از این مرز و بوم داشته باشند. بعد از به اسارت در آمدن راوی و خوردن اولین سیلی دشمن، او احساس خودش را این گونه بیان می کند: «پنجه سنگین سرباز عراقی در صورتم نشست، یک دفعه «اسارت» را تمام و کمال حس کردم. سیلی و اسیری ملازم یکدیگرند. اگر بیست سال جایی اسیر باشی، آغاز اسارت درست زمانی است که اولین سیلی را می خوری! اولین سیلی حس غریبی دارد. یکدفعه ناامیدت می کند از نجات و خلاصی و همه امیدت به سمت خداوند می رود. خودت را در بست می سپاری به قدرت بزرگی که خدای آسمان‌ها و زمین است ... تحقیر شدن من با اولین سیلی حد و حساب نداشت، داشتم از مرد عرب سیه چرده‌ای سیلی می خوردم که با پوتین‌هایش روی خاک وطنم راه می رفت. سیلی خوردن از متجاوزان دردی مضاعف دارد. برای تخمین درد یک سیلی ملاکی هست؛ اینکه کدام سوی خط مرزی باشی. اگر این طرف، در خاک خودت باشی، درد این سیلی فرق می کند تا آنکه آن سوی مرز در خاک دشمن باشی و من این طرف، روی زمین خوزستان، سیلی خوردم؛ یک سیلی پر درد!» [۱۰]. و در جای دیگر می گوید: «بعد از نه ماه اولین بار بود که صدایی از وطن می شنیدیم. پس هنوز کسی به فکر ما بود. پس ما فراموش نشده بودیم. ما باید جواب محبت مردمی را که برایمان دعا می کردند، می دادیم» [۱۰]. تنفر از دشمن در جای جای این خاطره نوشته به چشم می خورد؛ چه آنجایی که آنها را جهت تبلیغات دشمن بعثی به حضور صدام می برند؛ بچه‌هایی که از آنها سؤال می شد، برای پاسخ دادن به صدام از کمترین کلمات استفاده می کردند. این هم یک نوع اعلام نارضایتی و تنفر از حضور در آن جلسه بود ... عکس گرفتن با صدام حسین بیش از حد برایمان سخت و نفرت آور بود؛ اما ما اسیر بودیم و چاره‌ای جز انجام دادن فرمان نداشتیم ... سرم را پایین گرفتیم. زانوهایم را خم کردم و تقریباً از دید عکاس‌ها پنهان ماندم ... [۱۰]. و چه آنجا که مجدداً این بیست و سه نفر را به زندان استخبارات بغداد بر می گردانند: بغداد ... بغداد ... چه نفرتی داشتم از این نام! این کلمه چقدر وهم آور بود! کلمه‌ای از این دردناکتر، نمناکتر، بدبوتر و دلگیرکننده‌تر نمی شناختم. همچنین زمانی که دو عضو مجاهدین خلق [منافقین] را که به کشور عراق پناهنده می شوند، به اتاق آنها می برند و وقتی که بچه‌ها از هویت آنها سؤال می کنند، جواب می شنوند: «ما از بچه‌های سازمانیم!» خیلی زود متوجه شدیم که از اعضای سازمان مجاهدین خلق‌اند. معلوم بود فریب اطلاعاتی‌های رادیوی فارسی عراق را خورده‌اند و به هوای ماشین و خانه و بعد از آن سفر به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کشورهای اروپایی از مرز گذشته‌اند و به دشمن پناهنده شده‌اند. آن روزها هنوز زمان زیادی از بمب گذاری‌های منافقان، که منجر به شهادت یاران انقلاب شده بود، نمی‌گذشت. بدیهی بود که از آن دو نفر نفرت داشته باشیم ... [۱۰].

۲.۴.۵. توسل به ائمه و معصومین (ع)

نویسنده، در نوشته‌های دفاع مقدس، انقلاب اسلامی ایران را در حقیقت، تداوم بخش حرکت‌های جهادی پیامبران و ائمه معصوم می‌داند، او همچنین مدعی است که این انقلاب در مسیری گام بر می‌دارد که قبلاً انبیاء و اولیاءالله حرکت کرده‌اند و در حقیقت، ادامه دهنده حرکت انقلابی آن‌هاست. در دوران دفاع مقدس، ذکر و یاد ائمه، همیشه و در همه حال، قوت قلب رزمندگان غیور اسلام بوده است و گواه این مطلب، نامگذاری عملیات‌هایی است که با نام این بزرگان مزین بود و رزمندگان نیز با توسل به این بزرگواران، به پیروزی‌های چشمگیری دست می‌یافتند.

یکی از بن‌مایه‌های اعتقادی در هشت سال دفاع مقدس، توسل رزمندگان به معصومین و بزرگان دین بود و تبلور آن را می‌توان در عبارت‌های پیشانی بندها، رمزهای عملیات، نجوهای شبانه، خواندن دعای کمیل و توسل و زیارت عاشورا و ... مشاهده کرد. به خصوص، توسل به نام‌های مبارک حضرت محمد (ص)، حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) که یاد این اسوه‌های مقاومت و صبر، به آنها آرامش روحی و قلبی عنایت می‌کرد. اُسرا هم در غربت اسارت و تنهایی، با ذکر و یاد همین بزرگان و معصومین به آرامش قلبی می‌رسیدند. راوی در عملیات بیت‌المقدس که به اسارت دشمن یعنی در می‌آیند، وقتی که دوستش اکبر به شدت مجروح شده است، می‌گوید: «داشتم به برادر کوچکش فکر می‌کردم که روز اعزام به التماس گفته بود: «اکبر نره کاکا: ما خیلی تنها آبهین.» ... حسن هم مثل من غمگین بود. کاری از دستمان بر نمی‌آمد، جز اینکه مدام حضرت زهرا (س) را صدا بزنیم که به فریاد رفیقمان برسد [۱۰]. جیب ارتشی راه افتاد اکبر همچنان روی زمین خوابیده بود و متوجه جدایی‌مان نبود. ماشین سرعت گرفت. حسن آهی کشید و گفت: «یا امام زمان، سپردمش به خودت!» [۱۰].

دل‌م را قرص کردم. از خداوند و حضرت زهرا کمک خواستم و با قاطعیت در جواب فؤاد گفتم: «ولی من هفده سالمه. کسی هم من رو به زور نفرستاده جبهه!» ... قبل از اینکه ذهنم را برای ترجمه «جسر» به کار بیندازم، محمد ساردویی با صدای بلند گفت: «بچه‌ها، اسم این پُل، پُلِ ائمه اطهاره.» ... دیدن عبارت ائمه اطهار در شهر طاغوت زده بغداد، حس خوبی به همه ما داد. این حس زیبا و معنوی، چند لحظه بعد، با دیدن دو گنبد بزرگ طلایی امامین کاظمین، زیباتر و معنوی‌تر شد. داشتیم به بارگاه دو امام معصوم شیعیان، امام موسی کاظم و امام محمد تقی (ع)، در شهر کاظمین نزدیک می‌شدیم، تا چشممان به ضریح دو امام بزرگوار افتاد، بی‌اختیار، دودیم و پنجه در حلقه‌های ضریح انداختیم و های‌های گریه کردیم [۱۰]. و در جای دیگر می‌گوید: «صدای حزینی از رادیو شنیده می‌شد. پخش مستقیم دعای کمیل بود از مهدیه تهران. دعاخوان، که رسیده بود به آخرین فراز دعای کمیل، شروع کرد به دعا کردن تا رسید به اینجا که «خدایا، به حق زندانی بغداد، امام موسی کاظم، الساعه، وسیله استخلاص همه زندانیان اسلام را، مخصوصاً عزیزانی که الان در زندان‌های بغدادند، فراهم بفرما!» مردم در مهدیه تهران آمین گفتند و در زندان بغداد اشک در چشمان ما حلقه زد ...» [۱۰].

۳. نتیجه‌گیری

خاطرات خود نوشت، به عنوان جلوه و بخشی از مواد ادب مقاومت، بیانگر وقایع درونی و تشریح مشاهدات جبهه‌های نبرد است. از کامل‌ترین خاطره نگاشته‌های رزمندگان، خاطراتی است که قلم رزمندگان آزاده تقریر شده است؛ زیرا آنان هم خود در خط مقدم نبرد حضور داشته‌اند و هم در هیاهوی جبهه و جنگ، اسارت را چشیده‌اند؛ بیم‌ها و امیدهای بسیار و سپس شوق آزادی و بازگشت به میهن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

را تجربه کرده‌اند؛ و به همین دلیل است که تجربه‌های رزمندگان آزاده، تنوع و گسترده‌ی تجربی کم نظیری را در مقابل ما ترسیم می‌کنند.

پس از بررسی و تحلیل کتابِ خاطره نگاشته «آن بیست و سه نفر» با روش تحلیل محتوا و کمک گرفتن از منابع متعدّد در حوزه ادبیات پایداری، یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که به دلیل فضای جبهه و جنگ، درون مایه‌های پایداری در اشکال: هویت دینی رزمندگان و مبارزان، استقامت و پایداری در برابر دشمن، الگوگیری از اُسوه‌های مذهبی و قیام عاشورا، وطن دوستی و تنفّر از دشمن، توسّل به ائمه و معصومین (ع) مطرح شده است. بدون تردید، با توسّل به همین مؤلفه‌ها، توانستند در مقابل نیرنگ دشمن یعنی مقاومت، و هشت سال اسارت در غربت را تحمل کنند و پیروزمندانه به کشورشان باز گردند.

راوی کتاب (احمد یوسف‌زاده) و هم‌زمانش که گروه «بیست و سه نفره» را تشکیل می‌دهند، در ابتدای اسارت در عملیات بیت‌المقدس، توسط نیروهای بعثی، نوجوانانی بودند که با تکیه بر ایمان راسخ و مؤلفه‌های پایداری، در مقابل بسیاری از دسیسه‌های دشمن که تلاش فراوان داشتند از آنها استفاده تبلیغاتی علیه کشور ایران اسلامی داشته باشند، مقاومت و پایداری جانانه نشان دادند و بعد از هشت سال اسارت توأم با استقامت، به میهن عزیزشان بازگشتند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۴. مراجع

۱. کمری، علیرضا، یادِ مانا، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۱.
۲. جمشیدی، فرانک، جنگ و خاطره میزگرد بررسی ادبیات خاطره نویسی رزمندگان جنگ ایران و عراق و رزمندگان فرانسوی جنگ جهانی اول، جلد اول، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۸۱.
۳. سنگری، محمدرضا، شناخت ادبیات دفاع مقدس، انتشارات صریر، تهران، ۱۳۸۹.
۴. علی یُن، سهیلا؛ سارلی، ناصرقلی؛ باقری، بهادر؛ ایشانی، طاهره، کارکرد القایی واژگان در کتاب «آن بیست و سه نفر» در جست و جوی ویژگی‌های واژگان نوع ادبی خاطرات اسیران جنگ، نشریه ادبیات پایداری، سال دهم، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۱۳۱-۱۵۶.
۵. میرصادقی، جمال، ادبیات داستانی، انتشارات بهمن، تهران، ۱۳۹۰.
۶. یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، چاپ دهم، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۸.
۷. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ پنجم، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۸۳.
۸. اسکولز، رابرت، عناصر داستان، ترجمه فرزانه ظاهری، چاپ دوم، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۸۳.
۹. بکایی، حسین، «آسیب‌شناسی شخصیت‌پردازی در داستان‌های دفاع مقدس کودک و نوجوان» در مقوله‌ها و مقاله‌ها به کوشش محمداقاسم فروغی جهرمی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و خانه کتاب، تهران، ۱۳۸۹.
۱۰. یوسفزاده، احمد، آن بیست و سه نفر، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۴.
۱۱. امیری خراسانی، احمد؛ هدایتی، فاطمه، ادبیات پایداری، تعاریف و حدود، نشریه ادبیات پایداری، سال ۶، شماره ۱۰، بهار و زمستان ۱۳۹۳، صفحات ۲۳-۴۱.
۱۲. هاجری، حسین، چشم‌انداز ادبیات انقلاب اسلامی، به کوشش حسین بیات و محسن حسینی، مرکز تحقیقات صدا و سیما، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳. آقاخان‌بیژنی، محمود؛ صادقی، اسماعیل؛ صغری، جهانگیر، تحلیل چند مؤلفه پایداری در آثار شاعران پایداری، نشریه ادبیات پایداری، سال ۵، شماره ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحات ۱-۲۰.
۱۴. امیری خراسانی، احمد؛ آخشن، قدرت، اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس، نشریه ادبیات پایداری، سال ۴، شماره ۷، ۱۳۹۱، صفحات ۲۹-۵۸.
۱۵. محدثی خراسانی، زهرا، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا، تهران، ۱۳۸۸.
۱۶. میرحسینی، سیدمحمد؛ مرتضی قاسمی، حامد؛ شاورانی، مسعود، استقامت و پایداری در قرآن، نشریه ادبیات پایداری، سال ۲، شماره ۳ و ۴، ۱۳۹۰، صفحات ۵۸۹-۶۱۰.